

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

۲۶ جون ۲۰۱۵

نظربازی!!

با پیروی از توصیه دکتوران مُعالج، مشق و تمرین لازم و استعمال دواهای مُسکّن، عارضه درد پهلوی، الحمد لله رو به بهبود است. در پهلوی توصیه های دکتوران، تسکین دهنده ترین مُداوا برای من، همدردی دوستان عزیز است، که پیوسته با تلفونها و نوشته های گهربار و پرارزش جویای احوال شده و از درد من کاسته اند. اخیراً سروده های شاعران گرانمایه، ظاهر جان تیموری و الحاج خلیل الله ناظم باختری که با شوخی آن را در اثر نظربازی خوانده است، بر مسرت و تخفیف درد پهلویم مدد رساند. به این وسیله با سروده ای از ایشان اظهار سپاسگزاری مینمایم:

بعد لغزش، درد پهلویم هنربازی نبود
این سخن پنهان نباشد از نگاه دوستان
لیک این بشکستن پهلوی، ز صعف پای بود
همچو مرغ پرشکسته، بالم از پرواز ماند
وقت افتادن اگر لرزان و رقصان شد تنم
همچو طفل خردسالی، بازی دوران شدم
درد پهلوی چند روزی هم زمینگیرم نمود
یاد آن دوران که زخم، آسوده میشد التیام
ای تن غافل، عجب کفران نعمت میکنی
"ظاهر" و "ناظم" به همدردی، به اشعار رسا
جز به جان خویشتن بازی، دگر بازی نبود
کار من در عشقبازی، غیر سربازی نبود
از نظر افتاده ام، کار نظربازی نبود
این تپش از درد بود، از شوق پربازی نبود
بر زمینم زد قضا، رقص کمربازی نبود
هرچه شد، بیداد شد با من، مگر بازی نبود
تلخکامی بود در کامم، شکربازی نبود
اینقدر دارو و درمان، داکتربازی نبود
بی دوابازی به جان خود، دگر بازی نبود
سربلندم ساخت از این رهگذر، بازی نبود

بر "اسیر" خویش "ناظم" بی سبب تهمت میند

ترکتازی بود جان من، نظربازی نبود

(م. نسیم «اسیر» – ۲۴ جون ۲۰۱۵، فرانکفورت)